

رسوم جالب ماه مبارک رمضان در ایران

## آداب و رسوم شهرهای ایران در ماه رمضان



و از هر کدام یک تکه پارچه می‌گیرند. آنها از پارچه‌های یاد شده، پیراهنی بچه گانه به نام «پیراهن فاطمه» می‌دوزند و نزد خود نگاه می‌دارند و عقیده دارند تا ماه رمضان سال آینده خانم بچه دار خواهند شد.

**سمر روزه ای هدیه دختران و پسران کرمانی**

مردم کرمان نیز در ماه مبارک رمضان، آداب و رسوم ویژه‌ای را دنبال می‌کنند و در تزکیه نفس و انجام عبادات و فریاض مقدس این ماه مقید هستند. مردم کرمان سعی می‌کنند هرگونه جشن و مراسمی را که تدارک دیده‌اند، قیبل از حلول ماه مبارک رمضان در ماه شعبان برگزار کنند.

در قدیم، اوایل ماه مبارک رمضان در میان خانمها به‌ویژه زنان سالخورده رسم بود به خاطر خاصی که قهوه دارد، پس از حل کردن آن در آب، آن را به پیشانی خود می‌مالیدند. در کرمان بزرگ‌تراها با دادن «سروزه‌ای» به دختران و پسران که نوعی هدیه و کادوی مناسب بود، بچه‌هایی را که به سن تکلیف می‌رسیدند، به انجام فریضه روزه داری ترغیب می‌کردند.

یکی دیگر از رسوم ماه رمضان در برخی مناطق استان کرمان، خواندن «الله‌م‌رضوی» پسران و «کیلزنی» دختران در شبهای قدر دارند بدین صورت، هرگز دچار فقر و بی‌پولی نخواهند شد.

در برخی از روستاهای آذربایجان شرقی، در روز جمعه آخر ماه رمضان، زنانی که بچه دار نمی‌شوند، هنگام عصر به مسجد می‌روند و دو رکعت نماز حاجت به جا می‌آورند. سپس از مسجد خارج می‌شوند و به منزل هفت زن که اسام آنها فاطمه است، می‌روند

مردم استان لرستان همواره با حلول ماه رمضان، از مدت‌ها قبل، خود را برای برگزاری آیین‌های ویژه این ماه مبارک آماده می‌کنند. یکی از سنت‌ها رایج مردم این دیار که در ایام ماه مبارک رمضان بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، فرستادن بخشی از غذای افطار به مسخر و به منزل همسایگان است که به اصطلاح عامیانه به آن «کاسم سا» می‌گویند. بانوان لرستانی نیز توجه ویژه‌ای به پخت غذای افطار و سحر دارند و با پختن انواع آش، شله زرد، فرنی، حلوا و شیربرنج، جلوه‌ای خاص به سفره خود می‌بخشند.

**روز والون» شیرازی برای تازه عروسان شیرازی**

شیرازی‌ها، آخرین جمعه ماه شعبان را «کلوخ‌اندازان» می‌گویند. در این روز رسم است که مردم دسته دسته به گردشگاه‌های اطراف شهر می‌روند و آن روز را با خوشی به

## آثار موزه قرآن به روز شد

توسط ام سلمه نوشته شده، در ویرتین‌های موزه قرآن به نمایش درآمده‌اند.

وی نمایش یک قرآن ۴۰۰ ساله به خط نستعلیق و متعلق به درویش مهرانی طالقانی را از دیگر آثار شاخص به نمایش درآمده در این موزه دانست.

سبیری در ادامه از رونمایی قرآن تاریخی «آقاجان پرتو» از کاتبان خوشنویس دوره قاجار خبر داد و گفت: تا مدتی پیش کاراسکن، مستندنگاری و چاپ این قرآن تاریخی توسط موزه ملی قرآن در دستور کار بود که آن سرانجام به پایان رسید و در حال حاضر با تکثیر این قرآن به صورت گسترده قرار است

پس از رونمایی در هفته دوم ماه مبارک رمضان در معرض نمایش قرار گیرد.

## دو نمایشنامه تازه منتشر شده در بازار کتاب

نمایشنامه «مرد خیلی راحت؛ یک چالش بالاحساس» از اریک امانوئل اشمیت با ترجمه مرشد مهدی‌پور در ۱۲۴ صفحه با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۹۵۰۰ تومان در نشر یادشده عرضه شده است.

در نوشته پشت جلد کتاب می‌خوانیم: خنده شما زخم می‌زند، محکوم می‌کند، تحقیر می‌کند، بی‌آسرو می‌کند، خندهای پر از شرارت، طوری می‌خندید انگار دارید فحش می‌دید، برای آرم کردن خودتون و توهمین به دیگران. اگه خنده شما من رو کوچک کنه، باعث بزرگی شما نمی‌شه؛ فقط از هم دورمون می‌کنه.

آثار اریک امانوئل اشمیت (نویسنده فرانسوی) به زبان‌های مختلف ترجمه شده و نمایشنامه‌هایش در بیش از ۵۰ کشور به روی صحنه رفته است. اشمیت دکترای فلسفه نیز دارد و تاکنون چندین جوایز تئاتر مولیر فرانسه، بهترین مجموعه داستان کنکور و آکادمی بالزاک را نصیب خود کرده است.

از دیگر آثار او می‌توان به «خرده‌جایته‌های زناشویی»، «مهمانسرای دنیا» و «موسوی ابراهیم» اشاره کرد. نمایشنامه «خرها» از توفیق الحکیم - پدر نمایشنامه‌نویسی مدرن جهان غرب - با ترجمه کریم پورزیب و مرجان محمدی در ۱۵۸ صفحه با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۴ هزار تومان در نگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه منتشر شده است.

در نوشته پشت جلد کتاب می‌خوانیم: - این عمامه از آن شهریار است، چه می‌گوی؟ - این مرد، شهریار پادشاه را کشته و عمامه‌اش را به سرقت برده است.

## محمد رحمانیان نمایش «ونکوری‌ها» را در ونکوور

### کانادا به صحنه می‌برد

«ونکوری‌ها» نمایشی برگرفته از تجربه زندگی نویسنده و کارگردان این اثر در ونکوور است که به مهاجرت، غربت و همچنین خود ونکوور می‌پردازد.

رحمانیان این نمایش را با حضور هنرجویان کلاس‌های بازیگری مهتاب نصیرپور در ونکوور و در تئاتر کالج که یکی از قدیمی‌ترین تالارهای نمایشی این شهر است، اجرا می‌کند.

موسیقی این نمایش توسط علیرضا افکاری ساخته شده و طراحی بوستر آن هم مهدی نعمتی است. همچنین ماهان آل‌داود، پیام بارانی، نوشین بختیاری، محمدرضا بهار، بهتاب بهستان، نگین دهقانی، رضا ارد، ترکان رجبی، پرستو رحمانیان، سها سانجو، سالار طوسی، فرشید فخری، مهسا فراگزولو، ایمان کربلائیان، پردیس کریمی، ارمان کشمیری، محمد مرتضوی، پریا نظری، فردوس وکیلان و محمدرضا یزدانی بازیگران این اثر هستند.

«ونکوری‌ها» ۱۳ خردادماه در کانادا اجرا می‌شود و قرار است نمایش «صدام» به کارگردانی رحمانیان هم تابستان امسال در تالار وحدت روی صحنه برود.



و عاشقانه است که توسط استاد اسحاق بلوچ نسب که خود از شاگردان ملا کمالات است، باز خوانی و ثبت شده است. آلبوم موسیقی «لیپار» به همت مرکز موسیقی حوزه هنری منتشر و هم‌اکنون در فروشگاه‌های معتبر سراسر کشور عرضه شده است.علاقه‌مندان برای تهیه آلبوم موسیقی «لیپار» به صورت نسخه اصلی می‌توانند به مراکز معتبر فروش محصولات فرهنگی و هنری سراسر کشور مراجعه نمایند.

## ابراهیم مکلا در گذشت

ابراهیم مکلا، مترجم و از اعضای هیأت تحریریه «دایرةالمعارف مصاحب»، در آمریکا درگذشت. هرز همایون‌پور در این‌باره گفت: ابراهیم مکلا متولد سال ۱۳۱۸ در شهر شیراز بود. او فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق دانشگاه تهران و کارمند سیاسی وزارت خارجه تا دهه ۶۰ بود. این مترجم و سردبیر مجله «فتق» و بررسی کتاب تهران» با بیان این که ابراهیم مکلا بیشتر برای کارهای فرهنگی که انجام می‌داد شهرت داشت، اظهار کرد: پیش از انقلاب در تدوین دایرةالمعارف فارسی با غلامحسین مصاحب همکاری می‌کرد. او جزو هیأت تحریریه دایرةالمعارف فارسی و مورد توجه و اعتماد غلامحسین مصاحب بود. بعد از انقلاب نیز معاون فرهنگی سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی (انتشارات علمی و فرهنگی) شد. این سازمان جایگزین موسسه فرهنگیان بود و مکلا بخش فرهنگی این سازمان را که بعد از انقلاب آشفته شده بود ساماندهی کرد. در این موسسه او دوره جدید «تاریخ تمدن» ویل دورانت را راه‌اندازی کرد و

## معرفی نامزدهای گوی بلورین «کارلووی واری»

جشنواره بین‌المللی فیلم «کارلووی واری» فهرست نامزدهای این دوره‌اش را اعلام کرد. «اسکرین دلی» نوشت: پنجادومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «کارلووی واری» که از ۳۰ ژوئن تا هشتم جولای (۹ تا ۱۷ تیر ماه) در جمهوری چک برگزار می‌شود، اسامی نامزدهای بخش‌های مختلف‌اش را از جمله بخش رقابتی اصلی اعلام کرد.

در بخش رقابت اصلی که برنده آن گوی بلورین استیوال را به خانه خواهد برد، ۱۲ اثر برگزیده شدند که در میان آن‌ها آخرین فیلم «کرزیستوف کرواوس» کارگردان لهستانی که پیش از سال ۲۰۱۴ درگذشت، نیز دیده می‌شود. «ارتیمی» به کارگردانی «پوریس خلیبکوف» و «خبر داغ» به کارگردانی «پولیا روتنگا» از رومانی و «کی‌کیز» به کارگردانی «ووفی‌ر راتول گرایترز» و «جنجگجوی سلیمی کوچک» کاری از «واسلاو کادرنگا» از جمله نامزدهای این بخش هستند.

دیگر آثار برگزیده در بخش رقابت اصلی جشنواره «کارلووی واری» ۲۰۱۷ «خطا» ساخته «پیتر بیژاک»، «همکاری» به کارگردانی «نیکولاس سلپیلول» و «بیشتر» به کارگردانی «اونور سیالیکا»، «تغییر را

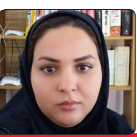
به همت مرکز موسیقی حوزه هنری

## آلبوم موسیقی «لیپار» راوی افسانه بلوچی توسط حوزه هنری منتشر شد

به نقل از روابط عمومی مرکز موسیقی حوزه هنری، آلبوم موسیقی «لیپار» باخوانی آثار استاد ملا کمالات است که به همت مرکز موسیقی حوزه هنری تولید شده است. گفتنی است استاد «کمال خان هوت» معروف به ملا کمالات از اسطوره‌های موسیقی بخش مرکزی بلوچستان است. «لیپار» روایت داستان (هانی و شی مرید) افسانه بلوچی بوده و در هفت پرده داستان تنظیم شده است. داستان «هانی و شی مرید» داستان حماسی - عرفانی

ستون یاد

منوچهر همایون پور، ردیف دان و آواز خوان



اله‌ها رن‌بسی‌ی فرادنبه - روزنامه‌نگار



«درکنج دلم عشق کسی خانه ندارد» اگر زمزمه اش کرده اید و شنیده اید پیشنهاد می‌کنم حتی اگر شده است به سختی پیدا کنید اما با یک صدای زیبا و منحصر به فرد نیز تجربه اش کنید:منوچهر همایون‌پور. متأسفانه اکثر آثار قابل‌استغای این ردیف دان و آوازخوان نامی در سال‌های انتهایی دهه ۲۰ و ابتدای دهه ۳۰ را رادیو پخش شد که به دلیل نبود دستگاه ضبط از آنها اثری به جا نمانده است. تنها چند سال قبل انتشارات ماهور در مجموعه ای که از آوازخوانان شهیر آثاری را منتشر کرد، اثری از همایونپور را نیز به بازار موسیقی عرضه کرد.

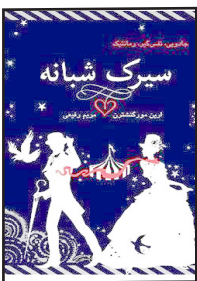
او زاده ۱۱ خرداد ۱۳۰۳ - درگذشته ۷ فروردین ۱۳۸۵ در ترانه‌خوانان ایرانی ست. او در سال ۱۳۰۳ خورشیدی در بروجرد متولد شد و در سنین نوجوانی به تهران آمد و ضمن اشتغال در ادارات دولتی، خوانندگی را به عنوان کاری ذوقی و هنری انتخاب کرد و ادامه داد. همایون پور ضمن بهره‌گیری از شیوه آوازی چهره‌های نامی موسیقی آوازی ایران چون ادیب خونساری و تاج اصفهانی، نزد کسانی چون ابوالحسن صبا و حسین یاحقی و غلامحسین بنان نیز آموزش دید؛ این هشتینی‌ها تا به جایی پیش رفت که حسین یاحقی، یکی از مشهورترین آثار خود را که «جوانی» نام داشت و در مایه افشاری ساخته شده بود، به همایون پور جوان داد تا آن را اجرا کند. این تصنیف در سال ۱۳۲۷ توسط همایون پور خوانده و به طور مستقیم از رادیو پخش شد.همکاری او با حسین یاحقی و خواهرزاده شهیر او پرویز یاحقی تا اواخر دهه ۳۰ شمسی نیز ادامه یافت که منجر به خلق آثاری به یادماندی در موسیقی ایران شد؛ «هنای چوپان»، «درکنج دلم» و چند تصنیف دیگر حاصل این همکاری مشترک بود.

بعدها این تصانیف از سوی برخی از خوانندگان با‌خوانی شد عمده آثار همایونپور در سال‌های قبل از ۱۳۳۲ خوانده شد، یکی دو اثر باقی‌مانده وی نیز چند سال قبل از سوی انتشارات ماهور در مجموعه‌ای منتشر شد که اعتراض همایون پور را نیز به دنبال داشت. از قرار مجموعه‌ای از خاطرات این چهره موسیقی آوازی نیز تدوین شده است که هنوز از انتشار آن خبری نیست متأسفانه اکثر آثار قابل‌اعتنای این ردیف دان و آوازخوان نامی در سال‌های انتهایی دهه ۲۰ و ابتدای دهه ۳۰ از رادیو پخش شد که به دلیل نبود دستگاه ضبط از آنها اثری به جا نمانده است.زنده یاد همایونپور بر ادبیات فارسی نیز مسلط بود و از چهره‌های ثابت محافل معروف ادبی، به خصوص ادبیات و شعر کهن به شمار می‌رفت که نمود بیرونی آن را می‌توان در تسلط بی‌چون و چرای وی بر شعر، در آثار آوازی‌اش مشاهده کرد.استاد همایونپور، درحالی دارفانی رو وداع گفت که به رغم کهنوت سن وضع جسمانی مناسبی داشت، اما بیماری قلبی به وی مهلت نداد و صبح دوشنبه ۷ فروردین در بیمارستان مهراد به دیار باقی ششانت، پیکر استاد «منوچهر همایونپور» ساعت ۹ صبح سه شنبه ۸ فروردین، از مقابل بیمارستان مهراد به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا تشییع شد.

### کتابخانه‌ای برای زندگی بهتر

## کتاب سیرک شبانه

داستانی جادویی، نفس گیر و رماتیک



نویسنده: ارین مورگنشترن مترجم: مریم رفعی

کتاب سیرک شبانه داستانی تخیلی از جادو و عشق است که در اواخر قرن نوزدهم در لندن جریان دارد، کاتبی با روایتی غیر خفنی، دیدگاه‌های متغیر و فصل‌های کوتاه شبه‌سینمایی، داستان کتاب سیرک شبانه از آنجا آغاز می‌شود که دو استاد شاگردان دست پروردشان را برای رقابت در سیرکی که فقط از غروب تا طلوع خورشید باز است، آماده می‌کنند تا این دو شبانه باز قهار مهارت یکدیگر را در برپا کردن چادرهای شگفت‌انگیز و باورنکردنی به چالش بکشند.

اما چیزی که این دو استاد کارکشته فکرش را نکرده بودند این بود که این دو جوان دلخنده ی یکدیگر شوند

آن دو خیلی دیر می‌فهمند که هزینه ی باخت هرکدام کزاف تر از آن است که فکرش را می‌کردند.

داستان سیرک شبانه خطوطا بین واقعیت و تخیل را تار میکند و دنیایی را خلق میکند که در آن غیر ممکن ممکن می‌شود. چهره‌ها می‌توانند تغییر کنند، گذشت زمان می‌تواند کندتر باشد و یک مرد می‌تواند سایه نداشته باشد.

اگره بخواهم فقط یک کلمه برای توصیف این کتاب به کار ببرم؛ «جادویی» کلمه ایست که انتخاب می‌کنم. موضوع اصلی کتاب سیرک است! سیرک جادویی که بی‌خبر از راه می‌رسد. و فقط از غروب تا طلوع خورشید باز است. سیرکی که بعد از خوندنش آرزو می‌کنید روزی توی شهرتون ببینیدش.

این کتاب تلفیقی از جادو، عشق، تجملات و است.

یکی از دلایلی که من کتاب سیرک شبانه رو خیلی دوست دارم این است که تو این کتاب شما فقط خواننده نیستید! بلکه یکی از شخصیت‌ها هستید و میتونید همه ی اتفاقات رو ببینید و لمس کنید! از دنیای روزمره جدا شوید و پا به دنیای جادویی سیرک بگذارید. شخصیت‌های کتاب هم اکثراً شیرین و دوست‌داشتنی هستند و ویژگی‌ها و توانایی‌های خاص خودشون رو دارند! یکی گذشته ی آدم‌ها رو می‌خونه؛ یکی واقعا جادو میکنه؛ یکی با دین ستاره‌ها تکه‌هایی از آینده رو میبینه؛ مردی که سایه نداره، ساعت سازی که ساعت هاش محسوس شده است و

اگره طرفدار داستان‌های جادویی هستید و دوست دارید خیالتون رو کمی قلقلک بدید کتاب رو دوست خواهید داشت.چه کسی میدونه شاید برخلاف نامی ی هاگوارتز که به دستمون نرسید روزی ببینیم که این سیرک سیاه و سفید جادویی اومده اینجا! و تا اون موقع من این کتاب رو نگه میدارم و خودم رو در دنیای جادویش غرق میکنم؛ تا صرف نظر زمان و مکان بارها و بارها توی ذهنم ازش دین کنم. قسمت‌هایی از کتاب سیرک شبانه خیال‌پرداز کسی است که تنها در نور مهتاب می‌تواند راهش را پیدا کند. مجازات او این است که قبل از همه ی مردم جهان، طلوع خورشید را می‌بیند. (اسکار وایلد)

سلیا، چرا ساعتون رو کوک میکنی؟

سلیا درحالیکه همچنان به دستش خیره شده است، مودبانه می‌گوید: چون همه چیز به آنسری احتیاج داره، وقتی میخواهم چیزی تغییر کنه باید انرژی و تلاشمون رو صرف اون کنیم.مردم همیشه چیزهایی رو که دلشون میخواد، می‌بینن و بیش تر مواقع چیزایی رو ببینن که بهشون می‌کن.بهترین خوشی‌ها تو زندگی، اونایی هستن که هیچوقت انتظارشون رو نداریم.رازها قدرتمندند و وقتی رازی رو به بقیه میگی، این قدرت کاهش پیدا می‌کنه، پس بهتره رازها رو پیش خودت نگه داری و به خوبی ازشون مراقبت کنی. گفتن راز، راز‌های واقعی، راز‌های مهم، حتی اگه با یک نفر دیدگه باشه، اونا رو تغییر می‌ده. نوشتن بدتره، چون هر قدر هم ازش مراقبت کنی، کسی میدونه چند نفر ممکنه شکل مک‌تویش رو ببینن؟ پس بهتره رازها رو پیش خودت نگه داری، هم به خاطر خودت هم به خاطر اونابوقتی وسط به وضعت گیر کردی، دین همه جنبه‌های واقعیش ستخته. چون برات آشناست. باهاس راحتی.